

# قرآن

## تفسیر

## حدیث

### چارده روایت

زینب قنبری - ورودی ۷۷

حقوق

مسلمانان به این کتاب آسمانی و به خاطر سپردن لهجه‌های قاریان نخستین اسلام و ثبت و ضبط رسم الخط مصاحف می‌باشد؛ به علاوه بسیاری از موارد اختلاف قرائت هیچ‌گونه تفاوت کتبی و معنوی به همراه ندارد و قرآن با همین واژه‌ها و ترکیبهای معروف و مشهور بین مسلمانان، مورد اتفاق شیعه اهل بیت پیامبر ﷺ و اهل سنت است.<sup>۱</sup>

پدید آمدن لهجه‌ها و گویشها در هر زبان امری طبیعی و ناگزیر است. از سوی دیگر در خط عربی و فارسی چندین حرف یا گروهی از حروف هست که تفاوتشان با یکدیگر فقط در نقطه است و در قدیم تا قرن‌ها این نقطه‌ها را به کتابت در نمی‌آوردند. بعدها هم که رعایت آنها شایع شد، همچنان امکان تصحیف نویسی<sup>۲</sup> و تصحیف خوانی

مشقت رسد به فریاد از خود بسان حافظ

قرآن زبیر بخوانی با چارده روایت

آنچه در مورد این بیت، در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، آن است که منظور حافظ از بیان "چارده روایت" چیست؟ و اینکه وی توانایی خواندن قرآن با چارده روایت را در خود تصریح می‌کند، به چه معناست؟

قراء زمان پیغمبر اکرم ﷺ که مستقیماً قرائات مختلف قرآن را از آن حضرت گرفته بودند، سعی کردند معارف و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار دهند و در این کوشش نیز موفق بودند و توانستند گروهی از نسلهای معاصر را برای تعلیم قرائت آماده سازند تا آنجا که شخصیت‌های بارز و برجسته‌ای در قرائت قرآن کریم پدید آمدند.<sup>۱</sup>

علم قرائات، یکی از علوم کهن برخاسته از قرآن و رشد یافته در تاریخ اسلام است. چگونگی تلاوت قاریان نخستین، مولود دو عامل اصلی است: ۱- اختلاف لهجه‌ها ۲- اختلاف رسم الخط

باید توجه داشت که اختلاف قرائات هرگز به معنای تحریف و افزایش و یا کاهش در قرآن نیست بلکه خود نوید توجه عمیق

(۱) شریعت - محمد جواد: چهارده روایت در قرائت

قرآن مجید، مقدمه

(۲) همانجا

(۳) تصحیف نویسی: خطا کردن در نوشتن، تغییر دادن کلمه با کم کردن یا زیاد کردن نقطه‌های آن؛ مانند محرم و

مجرم (فرهنگ فارسی عمید، ج ۱)

وجود داشت و وجود دارد. بنابراین اختلاف قرائات در هر متنی، بویژه متون کهن، پیش می‌آید. در همین دیوان حافظ اختلاف قرائات فراوانی رخ داده است.

بعضی از معروفترین اختلاف قرائات شعر حافظ که فرآورده طبیعت، تفاوت زبان، خط، تصحیحات و تجدید نظرهای خود او و تصحیفات نسخه‌نویسان و عوامل دیگر است، عبارت است از:

ورخود / ارخود / گر خود؛ آن تحمل که تو دیدی / آن تجمل که تو دیدی؛ کشتی شکستگان / کشتی نشستگان.<sup>۱</sup> در قرآن مجید هم، همین مسأله حتی بطرز عمیقتر و وسیعتری پیش آمده است. همه قرآن‌شناسان و مورخان قرآن، اتفاق نظر دارند که قرآن در عهد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و با نظارت همه جانبه ایشان نوشته و در چندین نسخه جمع شده است.

علت آنکه در حیات پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قرآن به تدوین نهایی نرسید، این بود که تا آخرین سال، باب وحی گشوده بسود و علاوه بر آن، گهگاه به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وحی می‌شد که جای بعضی آیه‌ها را در همان سوره تغییر دهد و یا حتی به سوره‌ای دیگر منتقل سازد؛ لذا امکان نداشت و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نیز مأذون نبودند که قرآن را به شکل نهایی مدوّن کنند؛ بویژه آن که شمار حافظان قرآن و اعتماد به حفظ آنان بسیار بود. در عهد ابوبکر، بر اثر شهید شدن عده کثیری از قرّاء و حافظان قرآن در جنگ با

مرتدان و مدعیان نبوت، مسلمانان، به اهمیت تدوین قرآن پی بردند و زید بن ثابت یکی از جدی‌ترین و قدیمی‌ترین کاتبان وحی را به تهیه مقدمات این امر حیاتی مأمور کردند. زید بر مبنای همه نوشته‌های کاتبان وحی و گرفتن دو شاهد از حافظان قرآن بر هر آیه مکتوب، این امر را آغاز کرد. جمع‌آوری، کتابت و تدوین قرآن در عهد خلافت عمر هم، با پیگیری او و نیز تشکیل هیأتی از کاتبان و حافظان وحی برای مشورت با زید، ادامه یافت.<sup>۲</sup>

فتوحات پایایی در این دوران نشان داد که مردم غیر عرب، در تلفظ کلمات قرآن تا چه حد مشکل دارند. بالاخره عثمان کار خلفای پیشین را دنبال کرد و به سرانجام رساند.

هیأت دوازده نفری زید، همکاران و مشاورانش در فاصله سالهای ۲۴ تا ۳۰ هجری قمری "مصحف امام" نسخه نهایی و مدوّن قرآن مجید را فراهم کردند که فقط شش نسخه - به روایتی هشت نسخه - از روی آن با دقتی هرچه تمامتر و با نظارت همان هیأت، استنساخ شد و نسخه‌ای نزد خلیفه ماند و بقیه نسخه‌ها به همراه یک قاری و قرآن‌شناس بزرگ به مراکز مهم جهان اسلام بصره، کوفه، شام، مکه و مدینه فرستاده شد. طبعاً نسخه‌های "مصاحف امام" بی نقطه و بی اعراب بود و این قرآن‌شناسان برای تعلیم درست خوانی قرآن، به آن مراکز گسیل شدند. در فرهنگ بشری - هیچ کتاب کهنی، اعم از کتاب مقدس یا عادی که عمری بیش از ۱۴۰۰ سال

داشته باشد، وجود ندارد که با این درجه از دقت و این حد از صحت، تدوین شده باشد، البته درباره تدوین قرآن نمی‌توان از تعبیراتی چون تصحیح و ویرایش استفاده کرد، چه قطع نظر از اعتقاد مسلمانان، طبق روش فوق‌العاده دقیق و امینی که اشاره مختصری به آن شد، گسردآورندگان و بازنویسان و تدوین‌کنندگان، حتی یک کلمه نیز در اصل آن نیفزوده و یا از آن نکاسته‌اند. با این همه و با نهایت امانتداری و امعان نظر و اعمال دقت، اختلاف قرائات، در قرآن مجید هم راه یافت.

در زمان حضور خود پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نیز گاهی تفاوت دو تلفظ، نزد ایشان مطرح می‌شد و حضرت یکی یا گاه هر دو را تصویب می‌کردند. حدیث سبعة احرف<sup>۳</sup> (اینکه قرآن هفت وجه مقبول

۱) خرمنشاهی - بهاء الدین: چارده روایت

۲) همو: حافظ نامه، بخش اول

۳) حدیث احرف سبعة: جنبه‌ای که برای حجیت قرائات سبع ارائه داده‌اند، حدیث معروف "أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ" است (یعنی قرآن به هفت حرف نازل شده است) تا اشاره‌ای به قرائات سبع باشد. آخرت را جمع حرف به معنای قرائت گرفته‌اند. البته حرف در این حدیث به معنای لهجه است. قبایل مختلف عرب با لهجه‌های گوناگون نماز می‌خواندند و قرآن را بر خلاف لهجه قریش - که فصیح‌ترین لهجه‌های عرب است - قرائت می‌کردند. بعضی از صحابه معترض شده از پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) پرسیدند چگونه است؟ آیا باید تمامی عرب و تمامی مردم جهان طبق لهجه قریش تلاوت

دارد) ناظر به همین معناست، یعنی حضرت رسول ﷺ برای رفع عسر و حرج و تا زمانی که قرآن همه گیر شود و هیچ صاحب لهجه ای خود را از آن یا آن را از خود بیگانه نیابد، در این باب چندین سخت نمی گرفتند و اختلاف تلفظها و قرائات را تا حدی که مخل معنی نبود، خطرناک نمی دانستند.<sup>۱</sup>

بهاء الدین خرمشاهی در "حافظ نامه" دلایل عمده اختلاف قرائات را این گونه بیان می کند:

"علل عمده اختلاف قرائات چند امر بود:

(۱) اختلاف لهجه ها؛ چنانکه مثلاً تمیمی ها به جای "حتی حین"، "عشی عین" می گفتند.

(۲) نبودن اعراب در خط عربی و مصاحف امام؛ تا عهد علی بن ابی طالب علیه السلام که به رهنمود ایشان و به پیگیری "ابو الاسود دؤلی"، اقدامات اولیه ای صورت گرفت ولی مراحل تکمیلی آن دو سه قرن به طول انجامید.

(۳) نبودن اعجام یا نقطه و نشان حروف؛ برای رفع این نقیصه، در اواخر قرن اول - در عهد حجّاج بن یوسف - کوششهایی به عمل آمد ولی مراحل تکمیلی آن نیز تا آخر قرن سوم طول کشید.

(۴) اجتهادات فردی صحابه و قاریان و بطور کلی قرآن شناسان که هریک استنباط نحوی و معنایی و تفسیری خاصی از یک آیه و کلمات آن داشتند.

(۵) دور شدن یا دور بودن از عهد

اول اسلام و مهد اول اسلام (مکه و مدینه)

(۶) نبودن علایم سجاوندی و وقف و ابتدا و هرگونه فصل و وصلی که بعدها علم قرائت و تجوید عهده دار تدارک آن شد.

نمونه معروفی که از این کمبود زاده شده و اختلاف نظر کلامی دامنه داری پدید آورده است، وقف یا عدم وقف در کلمه "اللّه" و "العلم" در آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران است که می فرماید:

"... و ما یعلم تأویلہ الاّ اللّٰه [ ] و الراسخون فی العلم [ ] یقولون آمنّا به کلّ من عند ربّنا."

طبق علامات وقفی که در تمامی یا اکثریت قرآنها خطی و چاپی آمده پس از "اللّه"، "وقف لازم" تجویز شده است؛ ولی بعضی و بلکه بسیاری از مفسران شیعه، این وقف را نه در آنجا، بلکه بعد از کلمه "العلم" لازم می دانند. این تفاوت در وقف یا به تعبیر امروز در نقطه گذاری، باعث تفاوت معنایی عمیقی می شود؛ زیرا در صورت اول و در وقف پس از "اللّه"، معنای آیه این می شود که تأویل آیات متشابه را فقط خدا می داند و راسخان در علم سر تسلیم و ایمان و اذعان فرود می آورند. و در صورت دوم "الراسخون فی العلم، عطف به "اللّه" می شود و چنین معنا می دهد که آنان نیز تأویل آیات متشابه را می دانند.<sup>۲</sup>

البته قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف قرآء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نصّ واحد است. امام صادق علیه السلام می فرماید: "أَنَّ الْقُرْآنَ

واحد نزل من عند واحد ولكنّ الاختلاف یجیء من قبل الرّوآة".<sup>۳</sup> این اختلافات موجب شد که عثمان فرمان بدهد مصحف واحدی تهیه کنند و از روی آن نسخه های واحد متحد الشکلی تهیه نموده، به مراکز مهم کشور اسلامی بفرستند؛ البته اختلافاتی میان این نسخه ها که می بایست کاملاً متحد باشند، پیدا شد که بعداً مایه اختلاف قرائات گردید. این همه کوشش که برای یکی کردن مصاحف به کار رفته بود، تقریباً هدر رفته به نظر می آمد و دامنه این اختلافها روز به روز گسترده تر می شد. تا دیروز، اختلاف بر سر قرائت صحابه بسود و امروز پس از یکی کردن مصاحف، اختلاف بر سر خود مصاحف است.<sup>۴</sup>

کنند؟ فرمودند: نه قرآن به هفت لهجه نازل شده و به لهجه قریش اختصاص ندارد. گروهی گفته اند: عدد هفت کنایه از کثرت است و عدد خاص منظور نیست (معرفت - آیه الله هادی: تاریخ قرآن: فصل قرآء و قرائات سبع، ص ۱۵۰)؛ برخی گفته اند: منظور از حرف، قرائت است. گروهی گفته اند: مقصود از سبعة عدد مشخص نیست و گروهی گفته اند از "احرف"، لهجه های گوناگون فصد شده است (عباسی - مسعود: شناخت قرائات).

(۱) خرمشاهی - بهاء الدین: چارده روایت

(۲) همو: حافظ نامه

(۳) کلینی - محمد بن یعقوب: اصول کافی، ج ۲،

ص ۶۳، حدیث ۱۲

(۴) معرفت - آیه الله محمد هادی: همان منبع،

فصل چهارم

بنا بر عواملی که تاکنون ذکر شد - و دلایل دیگر که خارج از بحث ماست - قرائت قرآن بین قاریان در مواردی اختلافی بود و تعداد قاریان در طی سالیان متمادی افزایش می‌یافت تا اینکه "ابن مجاهد" از بین کلیه قرائات، هفت قرائت را برگزید که هر کدام دو راوی دارند.<sup>۱</sup> پس در مجموع چهارده روایت، وجود داشت.

از آنجا که بحث ما به تاریخ قرآن برنمی‌گردد و ارتباط شعر حافظ با چهارده روایت مورد نظر ماست، به ذکر اسامی قاریان بسنده کرده و از بیان نکاتی که به تاریخ قرآن برمی‌گردد، صرف نظر می‌کنیم.

۱- ابن عامر، قاری شام / رویان: هشام بن عمار، ابن ذکوان.  
۲- ابن کثیر، قاری مکه، بزّی، قُنْبُل.  
۳- عاصم، قاری کوفه / رویان: حفص بن سلیمان<sup>۲</sup> (پسرخوانده عاصم)، شعبه ابوبکر عیث.  
۴- ابو عمرو، قاری بصره / رویان: دوری حفص بن عمر، سوسی صالح بن زیاد.

۵- حمزه، قاری کوفه / رویان: خلف بن هشام، خلاّ دبن خالد  
۶- نافع، قاری مدینه / رویان: عیسی بن میناء (معروف به قالون)، ورش عثمان بن سعید (قرائتی است که در برخی از کشورهای مغرب عربی رایج است).

۷- کسایی، قاری کوفه / رویان لیث بن خالد، دوری حفص بن عمر.<sup>۳</sup>  
علاوه بر این هفت قاری، سه تن دیگر از قاریان مشهور عبارتند از:

۸- خلف بن هشام ۹- یعقوب بن اسحاق ۱۰- ابرجمفر یزید بن قعقاع  
دانشمندان نام چهارتن را، بر شمار قراء دهگانه افزوده‌اند که قرائات همه آنها مجموعاً به "قرائات اربعه عشر" یا "قرائتهای چهارده‌گانه" موسوم گردید.

۱۱- حسن بصری ۱۲- ابن محیصن  
۱۳- یحیی بن مبارک یزیدی  
۱۴- اَعْمَش<sup>۴</sup>

از بین این چهارده قاری، فقط قاریان هفت‌گانه، مورد تأیید ائمه (علیهم‌السلام) و علمای عامه و خاصه قرار گرفته‌اند.<sup>۵</sup>

قاریان ده‌گانه را تعداد بسیار قلیلی از عالمان شیعی و سنی موثق و متواتر می‌دانند و قرائات چهارده‌گانه را فقط نحویهایی همچون ابن مالک و ابن هشام و... آورده‌اند.

کسانی که قرائت هر یک از قراء سبعة را آموخته و به دیگران تعلیم نمودند "راوی" نامیده می‌شوند. رویان هر یک از قراء سبعة زیاد هستند لکن از بین آنها دو نفر که عالمتر و مورد اطمینان‌تر از بقیه هستند، قرائت "امام القرائات" را روایت کرده‌اند.<sup>۶</sup>

البته لزومی ندارد که این رویان از شاگردان قراء باشند چه بسا که بعضی از رویان، بعد از عصر قراء سبعة بوده‌اند ولی چون در آموختن قرائت امام القراءه عالمتر بوده‌اند، به عنوان راوی برگزیده شده‌اند؛ بنابراین هر یک از امام القراء، دو راوی دارند که مجموعاً چهارده راوی از هفت قاری خواهیم داشت.

عشق رسد به فریادگر خود بسان حافظ  
قرآن زبر بخوانی با چارده روایت<sup>۷</sup>  
قاری قرآن برای تلاوت با قرائات مختلف واجب است تا آخر آیه با یک قرائت تمام کند. مثلاً اگر آیه‌ای را به قرائت ابن کثیر می‌خواند تا آخر همان آیه تمام قواعد و تجوید ابن کثیر را رعایت کند و اگر میل به قرائت دیگری

(۱) همانجا

(۲) حفص قرائت عام را دقیق‌تر و مضبوط‌تر می‌دانست و قرائت عاصم به وسیله او منتشر شده و تا امروز متداول است و همین قرائتی است که در اکثر کشورهای اسلامی رایج است.

(۳) معرفت - آیه‌الله محمد هادی: همان منبع  
(۴) شریعت - محمدجواد: چهارده روایت در قرائت قرآن مجید، مقدمه

(۵) نظر اکثر علمای شیعه این است که: با توجه به همزمانی قراء سبعة با امامان شیعه، معصومین پیرامون خود را به قرائت قرآن طبق قرائات معمول و معروف عصر خویش امر می‌فرمودند و منقول از آن بزرگواران چنین است که: "اقرأ كما يقرأ الناس" و "با اقرأوا كما تعلمنم" (عباسی - مسعود: شناخت قرائات، فصل سوم، ص ۷۷)

این دو حدیث از امام صادق (ع) نقل شده است. سربلیان، ص ۶۱ و پژوهشی در قرآن، ص ۳۷۶  
(۶) به هر یک از قراء سبعة "امام القراءه" و به هر یک از شاگردان آنها "راوی" و به هر یک از شاگردان راوی "طرفی" می‌گویند.

(۷) واضح است که چهارده روایت غیر از چهارده قرائت است (قراء اربعه عشر). حافظ به چهارده روایت اشاره نموده است؛ لکن برخی از متأخران عصر ما اشتهاً چهارده قرائت (اربعه عشر) را با عنوان چهارده روایت تعبیر کرده‌اند.

دارد، پس از اتمام آیه، به وسیله قرائت قبلی با قرائت جدید شروع کند. اگر مقداری از آیه را با قرائتی و مقدار دیگر را با قرائت دیگر تلاوت کند، قرائت و تلاوت او در قرآن خطا بوده و حرام است.<sup>۱</sup>

#### نمونه اختلاف قرائات:

- ۱- "مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ" و "مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ" بجای "مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ".
- ۲- "يَخْدَعُونَ" بجای "يَخْدَعُونَ".
- ۳- "لِمَنْ خَلَقَكَ" و "لِمَنْ خَلَقَكَ" بجای "خَلَقَكَ".
- ۴- "فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ" بجای "فَرَقْنَا".
- ۵- "كُوْرَتْ" بجای "كُوْرَتْ".
- ۶- "قَوْلُوا حَسَنًا" بجای "حُسْنًا".
- ۷- "يَخْشِي [رَبَّ] يَخْشِي [اللَّهِ مِنْ] عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ" که قرائت شاذ و شاید باطلی است بجای "يَخْشِي اللَّهُ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ" و دهها نمونه دیگر. که فهرست کامل آنها سوره به سوره در کتب مربوط به علم قرائت ثبت شده است.<sup>۲</sup>

اینکه حافظ، قرآن را به چارده روایت از بر داشته، به این معنی است که در هر سوره، کلمات و تعابیر هر آیه‌ای را که دارای اختلاف قرائت بوده، بر طبق روایات چهارده گانه استاندارد که بر شمردیم باز می‌شناخته و مثلاً می‌دانسته که حفص (راوی عاصم، و به روایت از او) در آیه سیزده از سوره احزاب "لَا مَقَامَ لَكُمْ" را به ضم میم مقام خوانده است و بقیه یعنی سیزده راوی و شش قاری دیگر به فتح میم خوانده‌اند.

طبعاً در همه قرآنهای چاپی موجود هم که روایت حفص از عاصم

را مبنا قرار داده‌اند، طبق روایت او ضبط شده است.<sup>۳</sup>

به عبارت دیگر می‌توان گفت که حافظ حدود ۱۱۰۰ مورد از اختلافات قرائت قرآنی<sup>۴</sup> را از بر داشته و نسبت به آنها چنان احاطه و استحضار ذهنی داشته که در هر مورد، وجوه مختلف آن را با استناد به بعضی از روایان چهارده گانه - یعنی به بعضی از چارده روایت - بیان می‌کرده است.

بدیهی است که در هر مورد از اختلاف قرائات، چهارده قول یا قرائت یا روایت نداریم؛ بلکه یکی یا گروهی از روایان، یک قرائت را روایت کرده‌اند و باقی، قرائات دیگر را. و بندرت اتفاق افتاده است که گروه قاریان و روایان در یک مورد، سه یا چهار نظر مختلف و متفاوت از هم داشته باشند.

حال نظری به معنای این بیت حافظ بیندازیم که:

مشقت رسد به فریاد از خود سان حافظ

قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

این بیت حافظ این گونه تأویل و معنا می‌شود که:

ژرفکاوای در قرآن و حفظ و قرائت ماهرانه و تأمل در بطون معانی، شرط عروج عاشقانه و معراج عارفانه است که البته با توجه به اختلاف قرائاتی که در خود این بیت از شعر حافظ، بنا به دلایل متعدد وجود دارد، به معانی مختلف آمده است؛ از جمله اینکه "اگر تو هم مثل حافظ قرآن شریف را در چارده روایت از حفظ بخوانی، باز هم برای وصول کافی نیست، بلکه

عشق به فریادت می‌رسد. وصول الی الله با عشق است؛ نه با از بر خواندن قرآن سبعة با چهارده روایت.<sup>۵</sup>

به این نکته هم باید اندیشید که حافظ پس از آنکه بارها به حفظ قرآن و قرآن‌شناسی خود مباحث کرده است، گویی با این بیت حدیث نفس، یا عتاب و خطابی نیز به خود دارد که غره مشو و "بکوش خواجه و از عشق بی نصیب مباش"<sup>۶</sup>

به هر حال آنچه مورد نظر ماست، ارتباط حافظ با قرآن و انس وی با قرائت و ترجمه و... می‌باشد. با توجه به بیت مذکور از دیوان خواجه و با در نظر گرفتن مطالب بیان شده، می‌توان دریافت که او بر همه انواع قرائات قاریان هفتگانه و حتی به روایات آنها که مجموعاً چهارده روایت می‌باشد، احاطه داشته است و این همه جز از طریق انس با این کتاب عظیم و نعمت عظمای الهی میسر نمی‌باشد.

(۱) عباسی - مسعود: شناخت قرائات و قراء

سبعة از دیدگاه تشیع، برگرفته از تهذیب القراء، ص ۱۷

(۲) خرمشاهی - بهاء‌الدین: حافظ نامه، ص ۴۴۷

(۳) همو: چارده روایت، مجموعه مقالات درباره شعر و شخصیت حافظ، ص ۲۵ - ۲۶

(۴) طین کتاب "التفسیر" که از دیر باز معتبر و مطرح بوده است.

(۵) خرمشاهی - بهاء‌الدین: حافظ نامه، نقل از

شرح سودی، ج ۱، ص ۵۸۱

(۶) همان منبع، بخش اول